

حقیقت مصحف فاطمه علیها السلام و پاسخ به شبهاتی پیرامون آن

رضا برنجکار^۱

محمد تقی شاکر اشتیجه^۲

چکیده

در روایات، از منابع علم امام نوشتاری بنام مصحف فاطمه علیها السلام دانسته شده، که گاه از آن به کتاب نیز تعبیر گردیده است. نگاشته پیش رو با روش کتابخانه‌ای و رویکردی توصیفی و تحلیلی و با نگاهی کلامی در صدد بررسی چیستی و ویژگیهای مصحف فاطمه علیها السلام و پاسخ به پرسشهایی است که ابهام را از آن پیراسته می‌کند. از مجموعه مطالب مطرح شده در رابطه با این موضوع بدست می‌آید که؛ سبب تحقق چنین امری، دلداری حضرت فاطمه پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و در حقیقت تجلی روح قدسی حضرت می‌باشد. اطلاق مصحف بر نوشتار مذکور به معنای بیان محتوای آن نیست، چرا که طبق تصریح روایات این نوشتار مشتمل بر قرآن نمی‌باشد. نگارنده مصحف، امیرالمومنین علیه السلام و املا کننده آن جبرئیل بیان گردیده است و محتوای مصحف اخبار و حوادثی گوناگون است.

واژگان کلیدی

تحديث، جبرئیل، امام علی علیه السلام، فاطمه علیها السلام، مصحف

۱. استاد دانشگاه تهران (پردیس قم)
۲. دانش آموخته حوزه و کارشناس ارشد علوم حدیث گرایش کلام. پژوهشگر پژوهشکده کلام اهل بیت علیهم السلام، موسسه دارالحدیث.

طرح مسئله

اعتقاد و التزام به امامت مبتنی بر شناخت صحیح از مقام و خصایص امامت است، با توجه به مسئله ختم نبوت از جانبی و موضوع خلافت و ولایت ائمه علیهم‌السلام از جانب دیگر مسئله مبادی و منابع علم امام مطرح می‌گردد. علم امام بعلمت جایگاه و مرجعیت دینی و علمی ایشان علمی خاص و الهی می‌باشد، مبادی این علم بعلاوة تعالیم و مجاری دریافتی از پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم که علوم و کتب انبیاء گذشته و کانون‌های علم‌آفرین را دربر می‌گیرد، طبق آیات و روایات شامل آگاهی‌های حادث یا روزانه و شناخت و علوم‌ی که بواسطه روح و ملائکه الهی تحقق می‌یابد می‌گردد. این امر نشانگر استمرار ارتباط الهی توسط ملائکه با امام بدون منافات داشتن با مسئله ضروری ختم نبوت می‌باشد. بدون شک دریافت و فهم صحیح از این مسئله اعتقاد و التزامی شایسته به امامت را می‌تواند به دنبال داشته باشد. نگارنده در مجموعه‌ای بنام منابع علم امام علیهم‌السلام، مجاری و گونه‌های علم امام را باز شماری نموده و در مورد هر یک از منابع به بررسی محتوا و حیطة دانشی که هر منبع شامل آن می‌گردد، پرداخته است. (ر.ک: شاکر، ۱۳۹۰، فصل دوم) اینگونه بررسی عاملی برای زدودن شبهات و پاسخی برای سوالات مقدری است که خواننده را متوجه خود می‌کند. از جمله چرایی اعتقاد به انحصار مرجعیت دینی در ائمه علیهم‌السلام؟ چگونگی عدم تقابل ختم نبوت و استمرار ارتباط ملائکه؟ و چرایی گونه‌های متفاوت مجاری دانش امام علیهم‌السلام.

از جمله عناوین مبادی و سرچشمه‌های علم امام در روایات، عنوان مصحف فاطمه علیها‌السلام بیان شده است، که نگارنده آن را در ذیل گروه علوم با واسطه‌فرشته و روح جای داده است. این صحیفه، نوشتاری ویژه بوده که به جهت علمی که شامل می‌شده تنها در اختیار ائمه اطهار علیهم‌السلام قرار گرفته است. ذکر مصحف فاطمه علیها‌السلام در شمار علوم با واسطه ملک برای ائمه علیهم‌السلام با وجود اینکه حضرت زهرا علیها‌السلام از ائمه نیست، به دو دلیل می‌باشد، از جهتی تاکید روایات به یاد کرد از مصحف به عنوان منبع علم ائمه علیهم‌السلام و دوم نقش امیرالمومنین علیه‌السلام در شکل‌گیری و پدید آمدن آن. در ادامه ضمن بررسی چیستی مصحف فاطمه علیها‌السلام و به ویژگی‌ها و پاسخ به سوالات مطرح در اطراف این موضوع می‌پردازیم.

چیستی مصحف فاطمه علیها السلام

رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و دوری جسمی حضرت زهراى مطهره از ایشان حزن و اندوهی فراوان برای آن صدیقه علیها السلام ایجاد نموده بود. از این رو ملکی (جبرئیل امین علیه السلام) (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۲۴۱، ح ۵؛ صفار، ۱۴۰۴، ص ۱۵۳، ح ۶؛ مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۲۶، ص ۴۳، ح ۷۵) به جهت عرض تعزیت و آرامش روحی حضرت فاطمه علیها السلام و خبر آوردن از جایگاه پدرشان و آگاهی دادن ایشان از آنچه برای ذریه و فرزندان حضرت علیها السلام اتفاق خواهد افتاد به دستور الهی مکرر خدمت آن بانوی معظم می‌رسید. (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۲۴۰، ح ۲، ص ۲۴۱، ح ۵) و کلماتی از جانب خدا (صفار، ۱۴۰۴، ص ۱۵۵، ح ۱۴) به آن حضرت القاء می‌نمود. (همان، ص ۱۵۹، ح ۲۷؛ مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۲۶، ص ۴۸، ح ۸۹)

حماد بن عثمان به نقل از امام صادق علیه السلام می‌گوید پس از آگاهی امیرالمؤمنین از این امر، حضرت امام علی علیه السلام به همسرشان فرمودند: هر گاه آن احساس برایت ایجاد گردید و صدا را شنیدی به من اطلاع بده و من را آگاه کن فاطمه محدثه نیز همسرش را آگاه می‌نمود و امیرالمؤمنین آنچه را فاطمه می‌شنید می‌نوشت و از آن نوشته‌ها صحیفه‌ای تهیه شد. (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۲۴۰، ح ۲؛ صفار، ۱۴۰۴، ص ۱۵۷، ح ۱۸) عبارت روایت اینگونه نقل شده: فقال لها اذا احست (احسست) بذلك و سمعت الصوت قولي لي فاعلمته فجعل يكتب كل ما سمع حتى اثبت من ذلك مصحفاً. (همان)

از این عبارت استفاده می‌شود رؤیت و معاینه ملک صورت نمی‌گرفته (نه از جانب حضرت زهرا و نه حضرت علی علیه السلام) بلکه احساسی تحقق می‌یافته که به همراه آن مطالبی از طریق صدا شنیده می‌شده است، همانگونه که روایت ابی حمزه از امام صادق علیه السلام کل این عبارات را در جمله "انما هو شيء القى عليها" (صفار، ۱۴۰۴، ص ۱۵۹، ح ۲۷) تعبیر و خلاصه نموده است که موبد این گفتار است.

مطلب دیگری که در روایت بیان شده اینکه، با توجه به آنکه امام علی علیه السلام از حضرت درخواست می‌نماید که در آن حالت ایشان را مطلع نمایند فهمیده می‌شود ظاهراً این تسلی همراه با اخبار و به تعبیر روایت آمدن جبرئیل (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۲۴۱، ح ۵؛ صفار، ۱۴۰۴، ص ۱۵۳، ح ۶) یا ارسال ملک (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۲۴۰، ح ۲؛ صفار، ص ۱۵۷، ح ۱۸) مخصوص

حضرت زهرا علیها السلام صورت می گرفته است، همانگونه که فحوا و علت صورت پذیرفتن این امر در روایت نیز به آن اشاره دارد.

از این رو مراد از سمع در عبارت "فجعل یکتب کل ما سمع"، شنیدن مطالبی است که حضرت زهرا علیها السلام برای امیرالمؤمنین از القاء کننده نقل می نموده است. با توجه به این روایات می توان حضرت زهرا علیها السلام را همانگونه که در ادعیه آمده محدثه نامید.

مطلب دیگری که از روایات در ذیل این موضوع استفاده می شود کلمه مصحف فاطمه علیها السلام است که در اکثر این روایات به کار رفته (صفار، ۱۴۰۴، ص ۱۵۳، ح ۵، ص ۱۵۶، ح ۱۵۶، ص ۱۵۴، ح ۹۰۸، ص ۱۵۷، ح ۱۴، ص ۱۶۱، ح ۳۳) و در برخی روایات با تعبیر کتاب فاطمه علیها السلام آمده (همان، ص ۱۶۹، ح ۳) از آنجا که این مصحف تشکیل شده از کلماتی بوده که حضرت زهرا علیها السلام می شنیده دانسته می شود ارسال و ایتاء ملک و احساس و شنیدن صدا به صورت متعدد و متناوب و حتی با فاصله زمانی کم صورت می گرفته است.

چرا که تصریح روایات به وقوع این امر پس از رحلت نبی اکرم صلی الله علیه و آله (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۲۴۰، ح ۲، ص ۲۴۱، ح ۵؛ صفار، ۱۴۰۴، ص ۱۵۳، ح ۶، ص ۱۵۷، ح ۱۸، ص ۱۵۹، ح ۲۷) و حیات کوتاه و کمتر از صد روزه حضرت زهرا علیها السلام (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۲۴۱، ح ۵؛ صفار، ۱۴۰۴، ص ۱۵۳، ح ۶) و شکل گیری مصحفی از کلمات فرستاده خدا، هم نمایانگر و بیانگر تعدد دفعات آمدن و شنیدن، و هم متناوب و پشت سر هم بودن آن، بدون بروز فاصله زیاد می باشد.

املاء کننده مصحف

روایات و احادیثی که تحت عنوان مصحف فاطمه علیها السلام قرار می گیرند بالاتفاق نویسنده مصحف را امیرالمؤمنین علیه السلام خوانده و آن کتاب را با خط ایشان توصیف نموده اند.

در مورد املاء کننده مصحف فاطمه علیها السلام سه دسته روایات وجود دارد:

۱- روایاتی که خداوند متعالی را املاء کننده دانسته مانند: انما هو شیء املاه الله علیها و اوحی الیها. (صفار، ۱۴۰۴، ص ۱۵۱، ح ۳)

۲- روایاتی که با تعبیر رسول الله از املاء کننده یاد نموده: و انه لاملاء رسول الله و خطه علی علیه السلام بیده» (همان، ص ۱۵۳، ح ۵) «املاء رسول الله و خط علی علیه السلام. (همان، ص ۱۵۵، ح ۱۴،

ص ۱۵۷، ح ۱۹، ص ۱۶۱، ح ۳۳)

۳- روایاتی که از املاء ملک (همان، ۱۵۹، ح ۲۷، ص ۱۵۷، ح ۱۸؛ کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۲۴۰، ح ۲) یا جبرئیل (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۲۶، ص ۴۳، ح ۷۵؛ کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۲۴۱، ح ۵؛ صفار، ۱۴۰۴، ص ۱۵۳، ح ۶) سخن گفته‌اند.

روایات دسته اول با روایات دسته سوم منافاتی ندارد بلکه تعبیری دیگر از آن روایات است، همچنان که جمله "و اوحی الیها" بیان می‌کند که مراد از املاء الهی املاء به واسطه ملکی بوده که پیام خداوند را به حضرت صدیقه علیها السلام می‌رسانده است، پس تعبیر روایت بیشتر برای رساندن این مطلب است که خبرهای انتقال یافته به حضرت زهرا علیها السلام از جانب خدا و به دستور خدا بوده همچنان که روایت حماد بن عثمان این مطلب را با عبارتی دیگر بیان نموده است، آنجا آمده ان الله تبارک و تعالی لما قبض نبيه صلی الله علیه و آله دخل علی فاطمه من وفاته من الحزن ما لا یعلمه الا الله عزوجل فارسل الیها ملكاً یسلی عنها غمها و یحدثها (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۲۴۰، ح ۲؛ صفار، ۱۴۰۴، ص ۱۵۷، ح ۱۸)

دسته دوم از روایات که شامل حدود چهار روایت است نیز با توجه به روایات دیگر که به تشریح و تبیین بیشتری پرداخته‌اند قابل جمع بندی و تبیین می‌باشد.

۱. تصریح به املاء و ارتباط ملک یا جبرئیل (صفار، ۱۴۰۴، ص ۱۵۳، ح ۶، ص ۱۵۷، ح ۱۸؛ کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۲۴۱، ح ۵؛ مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۲۶، ص ۴۳، ح ۷۵) با حضرت فاطمه علیها السلام

۲. و تصریح به وقوع و تحقق این امر پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۲۴۰، ح ۲، ص ۲۴۱، ح ۵؛ صفار، ۱۵۳، ص ۶، ص ۱۵۷، ح ۱۸، ص ۱۵۹، ح ۲۷) دلالی است که کلام فیروز آبادی (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۲۶، ص ۴۲) را در تفسیر رسول الله در این روایات به جبرئیل تأیید و تصدیق می‌نماید.

همچنین روایتی که سلیم بن قیس در کتاب خود از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل می‌کند که ظاهراً حضرت در آن روایت در صدد بازشماری علوم املاء شده توسط پیامبر به خودشان می‌باشند. به دلیل عدم ذکری از مصحف فاطمه و محتوای آن با توجه به گستردگی علوم یاد شده در آن روایت می‌تواند شاهی بر این تفسیر باشد. (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۱۵۳؛ سلیم بن قیس، ۱۴۱۵، ص ۶۵۷) با توجه به آنچه بیان شد می‌توان ویژگی‌ها و خصوصیات

مصحف فاطمه را اینگونه شمرد:

- ۱- الفاظ و عبارات مصحف از صدای ملکی که حضرت فاطمه علیها السلام می شنیده می باشد. از این رو املاء کننده کلمات به حضرت زهرا علیها السلام ملک (جبرئیل) و املاء کننده آنها به امام علی علیه السلام حضرت فاطمه علیها السلام بوده است. (صفا، ۱۴۰۴، ص ۱۵۳، ح ۵، ص ۱۵۶، ح ۱۵)
- ۲- نگاهش شدن مصحف توسط امیرالمؤمنین علیه السلام صورت گرفته پس مصحف به خط ایشان بوده است. (همان)

پس از روشن شدن چستی مصحف فاطمه و دانستن نقش فرشته (جبرئیل) در این امر، به شبهات و سوالاتی که پیرامون آن مطرح می باشد می پردازیم. اولین سوالی که پس از شناخت ارتباط فرشته با حضرت زهرا علیها السلام مطرح می شود این است که از نگاه روایات فریقین آیا امکان تحدیث پس از پیامبر وجود دارد. برای پاسخ این مطلب ابتدا به مفهوم محدث و سپس نگاه روایات به تحدیث اشاره می گردد.

مفهوم محدث

در تبیین معنای محدث، کلمات شارحان کتب حدیثی اهل سنت متفاوت است. نووی و العینی از گزارش کنندگان اصلی دیدگاه‌های متفاوتی هستند که در تفسیر محدث مطرح شده است. این دیدگاه‌ها عبارتند از: محدث به معنای ۱. ملهم ۲. مصیب ۳. مفهم ۴. متفرس ۵. گفتگوی فرشته با تحدیث شونده. (نووی، ۱۴۰۷، ج ۱۵، ص ۱۶۶، العینی، بی تا، ج ۱۶، ص ۵۵) با وجود این اختلاف در تفسیر، العینی آنها را معانی نزدیک به هم دانسته است. (العینی، ج ۱۶، ص ۵۵) کرمانی در تبیین "مکلمون" که در برخی از روایات مطرح شده است (ر.ک: نووی، ۱۴۰۷، ج ۱۵، ص ۱۶۶) به سخن گفتن ملائکه تصریح دارد. (ر.ک: العینی، ج ۱۶، ص ۱۹۸) طبری در ریاض پس از تفسیر تحدیث به الهام، امکان معنای ظاهری تحدیث یعنی سخن گفتن ملائکه را نفی نمی کند، و آنرا مسیری متمایز از وحی می داند که نام حدیث بر آن اطلاق شده و فضیلت بزرگی می باشد. از دیگر کسانی که تحدیث را مرادف با الهام و مورد خطاب شدند رونی انسان دانسته، می توان به ابن تمیه اشاره کرد، خطیب بغدادی از قول او می نویسد، وی انکار یکپارچه رهیافت الهام به واقع و حقایق را نادرست، و الهام را از بسیاری از قیاس‌ها، ظواهر و استصحاب‌ها برتر معرفی می کند. (ن.ک: خطیب بغدادی، ۱۴۱۷،

ج ۹، ص ۱۱۴)

مناوی در شرح جامع الصغیر از نگاه قرطبی به معانی متعدد محدث اشاره و در حالیکه گوئی مانعی برای شمول معانی متعدد و گاه مختلف برای محدث نمی‌بیند از جمله به سخن گفتن ملائکه با محدث اشاره و با قید "بلا نبوة" آنرا یکی از معانی مطرح در مفهوم محدث بیان می‌کند، وی در انتها در یک نتیجه کلی مسئله تحدیث را کرامت و جایگاه رفیع اولیاء الهی می‌داند. (المناوی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۶۶۴ و ۶۶۵)

بخاری نیز پس از تفسیر محدث، آنرا نشانه اثبات کرامت اولیاء دانسته است. (ر.ک نووی، ۱۴۰۷، ج ۱۵، ص ۱۶۶) مسلم نیز در صحیح خود پس از نقل حدیث پیامبر تنها به بیان ابن وهب در تفسیر محدث اشاره دارد. (نیشابوری، بی تا، ج ۷، ص ۱۱۵)

از نگاه اندیشمندان شیعی، محدث کسی است که فرشته با او سخن می‌گوید؛ از این رو گفتن و شنیدن در مسئله تحدیث موضوعیت دارد. ملاصالح مازندرانی در شرح خود بر کافی در ترجمه محدث می‌نگارد: یتکلمه الملک. (مازندرانی، ۱۳۸۸، ج ۶، ص ۵۵) مرحوم استرآبادی در تعریف محدث می‌نویسد: الذین یحدّثهم الملائکه. (استرآبادی، ۱۴۳۰، ص ۴۰) و جناب فیض در الوافی آورده: الذی یحدّثه الملک (فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۷۴)

به هر حال با توجه به آنچه در چسبیتی مصحف بیان شد، روشن می‌شود آنچه برای حضرت فاطمه علیها السلام محقق می‌شده است، سبب و دلیل بر صدق معنای محدث بر ایشان است. اما آیا روایات فریقین بر امکان و تحقق تحدیث پس از ختم رسالت صحه گذارده‌اند.

تحدیث از نگاه روایات فریقین

مسئله تحدیث در روایات شیعه فصلهائی مستقل از کتب حدیثی شیعه را به خود اختصاص داده است و گاه شاخه‌های متعدد بر آن متفرع گردیده است. به عنوان نمونه می‌توان از باب ان الائمه محدثون و مفهوم (کلنین، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۲۷۰) و باب الفرق بین الرسول و النبی و المحدث در کافی (همان، ج ۱، ص ۱۷۶)؛ باب معنی المحدث در معانی الاخبار (شیخ صدوق، ۱۴۰۳، ص ۱۷۲) باب فی الائمه انهم محدثون و مفهوم و ابوابی متعدد در ذیل آن در بصائر الدجّات (ر.ک: صفار، ۱۴۰۴، ص ۳۲۰ به بعد) و ابوابی مشابه آن در بحار

الانوار اشاره نمود.

از اهل سنت نیز روایات گسترده‌ای در مسئله تحدیث نقل شده است که به امکان و وقوع تحدیث پس از پیامبر پرداخته اند در روایات منسوب به پیامبر از مسئله تحدیث در امت خود، همانند امت‌های پیشین سخن به میان آمده است. (ن.ک: احمد بن حنبل، بی تا، ج ۲، ص ۳۳۹؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵، ج ۴۴، ص ۹۱-۹۶؛ متقی هندی، ۱۴۰۹، ج ۱۱، ص ۵۸۰؛ نووی، ۱۴۱۱، ص ۵۸۹) از این رو مسئله امکان تحدیث، با توجه به تصریح روایات فریقین بر آن امری قابل انکار نیست. هر چند در چگونگی و کیفیت آن برداشت‌های مختلفی مطرح گردیده است. در کتب حدیثی اهل سنت می‌توان از میان احادیثی که بر این مسئله دلالت می‌کنند به روایات صحیح بخاری و مسلم و المصنف ابن ابی شیبه اشاره نمود. (ن.ک: ابن ابی شیبه، ۱۴۰۹، ج ۷، ص ۴۷۸-۴۷۹؛ البخاری، ۱۴۰۱، ج ۴، ص ۱۴۹؛ نیشابوری، بی تا، ج ۷، ص ۱۱۵) ابن حجر در ذیل روایت ابوهریره، بر این باور است که تحقق تحدیث در مورد برخی از صحابه و دیگران به جهت فراوانی از حد شمارش خارج است (ابن حج، بی تا، ج ۶، ص ۳۷۳) و انکار مسئله الهام که معنای تحدیث می‌داند با توجه به شهرت و فراوانی آن ستیزه با واقعیت می‌خواند. (همان، ج ۱۲، ص ۳۳۲)

سوال دوم در تبیین محتوایی مصحف است، ریشه این سوال در عنوان بیانگر این نگاه‌شده، یعنی عنوان مصحف است، چرا که ادعا شده است که مصحف لفظی مترادف با قرآن است و این نام‌گذاری نشانگر آن است که مصحف فاطمه مشتمل بر قرآن بوده و در نتیجه شیعه معتقد است قرآن به صورت کامل بر پیامبر نازل نگشته است، بلکه تکمیل آن با نزول جبرائیل بر اهل بیت ایشان محقق شده است. برای پاسخ این پرسش ابتدا به شرح لغوی مصحف و سپس به تبیین محتوای مصحف با استناد به روایات می‌پردازیم.

عنوان مصحف برای اعم از قرآن

مصحف در معجم‌های لغت به «الجامع للمصحف المكتوبه بین الدفتین» معنا شده است. (ر.ک: ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۹، ص ۱۸۶؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۷۷؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۴۷۶؛ قرشی، ۱۳۷۱، ج ۴، ص ۱۱۰) صُحُف جمع صحیفه است که عبارت است از چیزی (از ورق یا مثل آن) که روی آن می‌نویسند. دفتان تشبیه دَفَّه است که جنب و کنار هر چیز را می‌گویند،

از جمله می‌گویند دو دفّ مصحف (دفتا المصحف) یعنی دو جانب او که مصحف را جمع و ضمیمه هم می‌کند و آن را حفظ و نگهداری می‌کند که همان جلد و صورت مصحف باشد.

از آنچه بیان شد دو مطلب استفاده می‌شود:

۱- مصحف از مجموعه ای صُحف تشکیل شده است، پس به یک صحیفه مصحف اطلاق نمی‌شود، به خلاف لفظ کتاب که برای یک ورق هم حقیقتاً استعمال می‌شود، این فرق مصحف و کتاب است.

۲- در مصحف به خلاف لفظ صُحف، وجود دو جلد برای آن ملاحظه شده است. نتیجه آنکه لفظ مصحف در لغت عرب شامل هر کتابی که مجلد باشد می‌شود و اختصاصی به قرآن کریم ندارد. همچنان که نصوص و آثار زیادی وجود دارد و نشان می‌دهد که لفظ مصحف بعد از نزول قرآن و شهرت اطلاق مصحف بر قرآن، مانع از کارکرد لغوی آن نشده است. بلکه در معانی دیگری غیر از قرآن هم استعمالش برقرار و باقی بوده است و دلیلی ثابت نمی‌کند که لفظ مصحف به صورت عَلم برای قرآن کریم وضع شده باشد، نه دلیلی از کتاب و نه سنت و نه در لسان صحابی بر این امر نیست. (ر.ک: عاملی، ۱۴۱۷، ص ۲۳-۳۶)

محتوای مصحف فاطمه علیها السلام

روایاتی که به تبیین محتوا و موضوع اصلی مصحف پرداخته اند را می‌توان به دو گروه تقسیم نمود:

۱- روایات سلبی

مراد از روایات سلبی روایاتی اند که موضوع و محتوایی که در مصحف وجود ندارد را بیان می‌کند، به عبارتی محتوای مصحف فاطمه با موضوعی که در این روایات مطرح شده (قرآن) به شرط لا است.

آنچه در روایات سلبی بالاتفاق ذکر گردیده، داخل نشدن و ذکر نگردیدن آیه ای و چیزی از قرآن کریم در مصحف فاطمه علیها السلام می‌باشد که این مفهوم با کمی اختلاف در

تعبیر متعددی آمده که عبارتند از:

ما فيه آيه من كتاب الله (صفار، ۱۴۰۴، ص ۱۵۳، ح ۵) - ما فيه آية من القرآن (همان، ص ۱۵۶، ح ۱۵) - ليس فيه شيء من القرآن (همان، ص ۱۵۴، ح ۸) - اما و الله ما ازعم انه قرآن (همان، ص ۱۵۴، ح ۹) - اما و الله ما فيه حرف من القرآن (همان، ص ۱۵۷، ح ۱۴، ص ۱۶۱، ح ۳۳) - ما فيه شيء من كتاب الله (همان، ص ۱۵۹، ح ۲۷) - ما فيه من قرآنكم حرف واحد. (همان، ص ۱۵۱، ح ۳) به نظر می‌رسد علت این تاکید به علاوه تبیین حدود موضوع مصحف با تحدید و توضیحی که از سلب برخی موضوعات صورت می‌گیرد، زدودن توهم نقص قرآن و تکمیل آن به واسطه مصحف و نزول فرشته بر حضرت می‌باشد. چرا که قرآن کتاب هدایت و شامل تمام نیازمندیهای انسان در این راه است. اگر چه نیاز به تبیین و تفسیر آن و یا بطون آن مورد انکار نیست. و مصحف فاطمه همانگونه که از گروه دوم روایات به دست می‌آید متضمن چنین برنامه‌ای نیست. بلکه تحقق این مهم از طرق دیگر در زمان حیات پیامبر ﷺ صورت یافته است که از آن جمله جامعه می‌باشد. (ر.ک: شاکر، ۱۳۹۰، فصل دوم)

۲- روایات اثباتی

گروه دوم از روایات، به بیان موضوع و محتوای اصلی و گاه جزئیاتی از مسائل مطرح شده در مصحف می‌پردازند، که عبارتهای ذیل به آنها اشاره دارد:

۱- فيه ما يكون من حادث و اسماء من يملك الى ان تقوم الساعة. (شیخ مفید، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۱۸۶؛ طبرسی فضل بن حسن، ۱۳۹۰، ص ۲۸۴؛ راوندی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۸۹؛ سیدبن طاووس، ۱۴۰۹، ص ۴۱، ح ۷۲)

۲- يخبرها عن ايها و مكانه و يخبرها بما يكون بعدها في ذريتها. (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۲۴۱، ح ۲۴۱؛ صفار، ۱۴۰۴، ص ۱۵۳، ح ۶)

۳- انه ليس من الحلال و الحرام و لكن فيه علم ما يكون. (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۲۴۰، ح ۲؛ صفار، ۱۴۰۴، ص ۱۵۷، ح ۱۸)

۴- ليس ملك يملك الا و فيه مكتوب اسمه و اسم ابيه. (صفار، ۱۴۰۴، ص ۱۶۹، ح ۳)

۵- ما من نبي و لا وصي و لا ملك الا في كتاب عندي. (همان، ح ۶ و ۴)

بدون شك اطلاق جمله "فيه علم ما يكون" با توجه به انحصاری که روایات دیگر

بر آن دلالت دارند تقید می خورد همچنان که عبارت "انه لیس من الحلال و الحرام" آن را تقیید زده است.

مراد از "ما یکون من حادث" طبق بررسی خانواده حدیثی این باب، حوادث مربوط به فرزندان حضرت می باشد که ملوک هم به تناسب آن ذکر گردیده شده است. از شواهد اینکه مراد روایات، اطلاق "فیه علم ما یکون و فیه ما یکون من حادث" نیست می توان به روایات گروه اول اشاره کرد که در آنها حیطة موضوعات مصحف را اموری سواى کتاب الله بیان شده است که عبارت "انه لیس من الحلال و الحرام" نیز در همین راستا می باشد، تصریح روایت ابو عبیده از امام صادق علیه السلام که در مقام بیان اخبار از مطالبی است که از جبرئیل شنیده می شده نیز از شواهد بر ادعای مذکور است زیرا در تبیین این اخبار آمده "یخبرها بما یکون بعدها فی ذریتها".

و شاهد دیگر، علت و جهت فرستاده شدن ملکی از جانب خدا به سوی حضرت علیها السلام می باشد که برخی روایات به آن اشاره کرده اند که با توجه به رحلت پیامبر و دوری ایشان و مصائب غصب مقام خلافت امیرالمؤمنین علیه السلام، آنچه مناسب برای دلداری و آرامش حضرت می باشد بیان حوادثی است که سرانجامش استخلاف ائمه و فرزندان فاطمه بر روی زمین خواهد بود. که قرآن به اجمال در آیه پنجم قصص فرموده: «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»

توضیح یک روایت

با توجه به آنچه درباره مصحف امام علی علیه السلام (ر.ک: شاکر، ۱۳۹۰، فصل دوم) بیان شده و آنچه در قسمت بالا در رابطه با محتوای این کتاب ذکر شد، می توان به بررسی صحیح و دقیق روایت زیر پرداخت.

الحسین بن ابی العلاء قال سمعت ابا عبد الله علیه السلام يقول:

ان عندی الجفر الابيض، قال قلنا و ای شیء فیه؟ قال فقال لی: زبور داود و توراة موسى و انجیل عیسی و صحف ابراهیم و الحلال و الحرام و مصحف فاطمة، ما ازعم ان فیه قرآناً و فیه ما یحتاج الیه الناس الینا و لانحتاج الی احد حتی ان فیه الجلدة و نصف الجلدة و ثلث الجلدة و ربع الجلدة و ارش الخدش و عندی الجفر الاحمر.... (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱،

ص ۲۴۰، ح ۳؛ صفار، ۱۴۰۴، ص ۱۵۰، ح ۱)

عبارت "و فيه ما يحتاج اليه الناس" در نگاه اول به نظر می‌آید که ادامه تبیین مصحف فاطمه عليها السلام است اما با مطالب مذکور دانسته می‌شود، ارجاع ضمیر به جفر ابیض است که موضوع اصلی سخن می‌باشد، چرا که محتوای مصحف فاطمه شامل احکام و حلال و حرام نمی‌شود بلکه این عبارت تعبیر و تفسیری از مصحف علی عليه السلام است که در برخی روایات در ذیل عنوان جفر ابیض قرار گرفته است. (ر.ک: همان) بنابر این با تفکیک محتوایی که از خانواده احادیث در ذیل دو عنوان مصحف امام علی عليه السلام و مصحف حضرت فاطمه عليها السلام بیان شده است، مقصود روایت روشن می‌گردد.

در حدیثی که ذکر شد مصحف فاطمه و همچنین مصحف علی عليه السلام یا همان جامعه در ذیل عنوان الجفر الابيض ذکر گردیده است، گرچه در برخی روایات دیگر نیز جامعه (صفار، ۱۴۰۴، ص ۱۵۵، ح ۱۲، ص ۱۶، ح ۳۴) و در یک روایت هم مصحف فاطمه (همان، ص ۱۵۴، ح ۹) در ذیل عنوان جفر (به تنهایی نه با صفت الابيض) ذکر شده و روایاتی نیز به همراه بودن و گرد آمدن کتب چندی از جمله این دو مصحف در کنار هم اشاره شده است. با توجه به بررسی محتوایی مصحف فاطمه و آگاهی کلی از محتوای آن، می‌توان گفت مقصود و مراد از روایاتی که از وجود کتابی (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۲۴۲، ح ۷؛ صفار، ۱۴۰۴، ص ۱۶۹، ح ۴، ۲، ۶) یا صحیفه‌ای (صفار، ۱۴۰۴، ص ۱۶۹، ح ۵) در نزد ائمه عليهم السلام خبر می‌دهند که دارای محتوایی در راستا و چارچوب محتوا و موضوع مصحف فاطمه می‌باشند ولی نامی از آن کتاب در آن روایات برده نشده و به صورت مطلق در آنها کلمه کتاب یا صحیفه استعمال شده، دانسته می‌شود. همچنان که برخی از روایات از مصحف فاطمه با تعبیر کتاب فاطمه یاد نموده‌اند (همان، ص ۱۶۹، ح ۳) به علاوه برخی روایات از این مصحف به کتاب علی (همان، ص ۱۶۸، ح ۱) یاد کرده‌اند شاید جهت این تعبیر مشتمل بودن مصحف فاطمه به خط حضرت و شباهت آن با جامعه از لحاظ خط و نویسنده باشد، از این رو روایات مشابه آن به صورت مطلق و یا با عبارت مصحف فاطمه عليها السلام نقل شده است. (همان، ص ۱۶۹، ح ۲-۷)

با دقت در آنچه از شواهد روائی که به نفی وجود قرآن در مصحف فاطمه پرداخته‌اند، به روایتی که صاحب بحار از کتابی مخطوط به نام کنز جوامع الفوائد آورده و در

سندش محمد بن سلیمان دیلمی است که شیخ و نجاشی و ابن غضائری همگی او را تضعیف نموده اند، توجه نشده و به آن اهمیتی داده نمی‌شود. (ر.ک: نجاشی، ۱۴۲۴، ص ۳۶۵، ش ۹۸۷؛ غضائری، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۹۱؛ ابن داود، ۱۳۸۳، ص ۵۰۵) در این روایت نقل شده است امام صادق علیه السلام آیه را اینگونه قرائت نمود: «سأل سائل بعذاب واقع للكافرين "بولایه علی" لیس له دافع»، آنگاه گفت: هکذا هی فی مصحف فاطمه. (علامه مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۳۷، ص ۱۷۶، ح ۶۳؛ در روضه کافی به صورت مضمّر روایت شده)

زیرا این روایت از لحاظ سند و دلالت مردود است. علت ضعف سندی بیان شد. اما از لحاظ دلالت، چون با اخبار زیادی که وجود و اشمال مصحف فاطمه به آیات قرآن را نفی و انکار نموده است، مخالفت دارد. دلیل کنار گذاشتن روایت، دلالت روایت بر تحریف قرآن نیست چرا که لفظ زائد در روایت (بولایه علی) به تفسیر و بیان مورد نزول حمل می‌گردد. (ر.ک: عاملی، ۱۴۱۸، ص ۹۵ و ۹۶)

نزول جبرئیل بعد از وفات پیامبر؟

مطابق گزارش روایات، مصحف فاطمه علیها السلام املاء جبرئیل است، اما از طریق اهل سنت نقل شده که جبرئیل بعد از وفات پیامبر گفته: «هذا آخر وطئ بالارض»، این دو چگونه با هم سازگار است؟

سیوطی در پاسخ به این جمله گفته: این حدیث، واقعاً حدیثی ضعیف است. او دلیل ضعف حدیث را نه به جهت ضعف سندی بلکه به علت مخالفت آن با محکّمات مسلمانان می‌داند، که دو مورد است:

- ۱- جبرئیل هر سال به زمین نازل می‌شود و آن در شب قدر است و در روایت هست که: «انه ينزل ليلة القدر مع الملائكة يصلون على كل قائم وقاعد يذكر الله».
- ۲- جبرئیل وظیفه وحی دیگری غیر از وحی نبوت هم دارد و این از خلال حدیث "یوحی الله الی عیسی ای بعد قتله الدجال" استفاده می‌شود و این حدیث همانگونه که سیوطی اشاره می‌کند حدیثی صریح در نزول وحی است، چرا که وظیفه او سفیر بودن میان خدا و رسلش می‌باشد.

اما اینکه در روایت نهج البلاغه آمده است: «بابی انت و امی یا رسول الله، لقد انقطع

بموتک ما لم یقطع بموت غیرک من النبوه و الأنباء و اخبار السماء»
مراد همان عقیده اجماعی مسلمانان است که بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دیگر پیامبری نخواهد آمد و وحی رسالت گونه، تحقق نخواهد پذیرفت. اما نزول جبرئیل به یکی از اولیاء خدا این امر ممتنعی نیست. (همان، ص ۱۷۳-۱۷۵)

نتیجه‌گیری

۱. امکان ارتباط ملائکه با انسان پس از ختم نبوت پدیده‌ای است که روایات نبوی به آن تصریح دارند. منتهی آنچه در این میان اهمیت دارد تمایز نهادن میان این ارتباط برای نبی و سائر انسانها است که از جهت محتوا و مضمون می‌باشد.
۲. مصحف فاطمه از ارتباط فرشته الهی با حضرت فاطمه زهرا علیها السلام ایجاد و شامل محتوایی غیر از قرآن می‌باشد.
۳. امیر المومنین علیه السلام با نگارش آنچه به حضرت زهرا علیها السلام القاء می‌شد صحیفه‌ای تنظیم نمود که ودیعه‌ای برای امامان پس از خود و نشانی از امامت به شمار می‌رفت.
۴. وجود این مصحف نه تنها تفافی با مسئله خاتمیت و نزول کامل قرآن ندارد بلکه از اوج روحی و تعالی معنوی حضرت زهرا علیها السلام اطلاع می‌دهد.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن ابی شیبہ الکوفی، المصنف، تحقیق و تعلیق؛ سعید اللحام، الأولى، جماد الآخرة ۱۴۰۹هـ، ۱۹۸۹م، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، بیروت، لبنان.
۳. ابن بابویه محمد بن علی، معانی الاخبار، قم، ۱۴۰۳هـ، دفتر انتشارات اسلامی.
۴. ابن حجر، فتح الباری، الثانی، دارالمعرفة للطباعة و النشر بیروت، لبنان.
۵. ابن طاوس سید علی بن موسی، الأمان، یک جلد، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، ۱۴۰۹هـ.
۶. ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ۱۴۱۵هـ، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، بیروت، لبنان.
۷. ابن منظور محمد بن مکرم، لسان العرب، دار صادر، بیروت، سوم، ۱۴۱۴هـ.
۸. احمد بن حسین بن غضائری، رجال ابن الغضائری، مؤسسه اسماعیلیان، قم ۱۳۶۴هـ.
۹. احمد بن علی نجاشی، رجال النجاشی انتشارات جامعه مدرسین، قم ۱۴۲۴هـ.
۱۰. احمد بن محمد بن خالد برقی، رجال البرقی، انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۸۳هـ.
۱۱. احمد بن حنبل، مسند احمد، بی تا، بیروت، لبنان.
۱۲. استرآبادی ملا محمد امین، الحاشیه علی اصول الکافی، قم، ۱۴۳۰هـ، دارالحديث.
۱۳. البخاری، صحیح البخاری، ۱۴۰۱هـ/۱۹۸۱م، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، طبعه بالأوفست عن طبعه دارالطباعه العامره یاستانبول.
۱۴. الخطیب البغدادی، تاریخ بغداد، دراسه و تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا، الأولى، ۱۴۱۷هـ/۱۹۹۷م، دارالکتب العلمیه، بیروت، لبنان.
۱۵. راغب اصفهانی حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، دارالعلم الدار الشامیه، دمشق بیروت، اول، ۱۴۱۲هـ، تحقیق: صفوان عدنان داودی.
۱۶. سلیم بن قیس هلالی کوفی، کتاب سلیم بن قیس، ۱ جلد، انتشارات الهادی قم، ۱۴۱۵هـ.
۱۷. شاکر محمد تقی، پایان نامه منابع علم امام علیه السلام و پاسخ گوئی به شبهات پیرامون آن، مؤسسه دارالحديث قم. ۱۳۹۰.
۱۸. شیخ مفید، الإرشاد، ۲ جلد در یک مجلد، انتشارات کنگره جهانی شیخ مفید قم، ۱۴۱۳هـ.
۱۹. صفار محمد بن حسن بن فروخ، بصائر الدرجات، یک جلد، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی قم، ۱۴۰۴هـ.
۲۰. طبرسی احمد بن علی، الاحتجاج علی اهل اللجاج، مشهد، ۱۴۰۳هـ، نشر مرتضی.
۲۱. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۹۰، تهران چاپ سوم، اسلامیه.

۲۲. طریحی فخرالدین، مجمع البحرین، کتابفروشی مرتضوی، تهران، سوم، ۱۳۷۵ هـ.ش، تحقیق: سید احمد حسینی.
۲۳. عاملی اکرم برکات، حقیقه مصحف فاطمه علیها السلام عند الشیعه، دارالصفوه، بیروت لبنان، ۱۴۱۸ هـ.ق.
۲۴. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ۱۱۰ جلد، مؤسسه الوفاء بیروت - لبنان، ۱۴۰۴ هـ.ق.
۲۵. العینی، عمده القاری، بیروت - دار احیاء التراث العربی.
۲۶. فیض کاشانی ملا محسن الوافی، کتابخانه امیرالمومنین، اصفهان، ۱۴۰۶ ق، اول، تحقیق و تعلیق از آیت الله سید ضیاء الدین علامه.
۲۷. قرشی سید علی اکبر، قاموس قرآن، دار الکتب الإسلامیه، تهران، ششم، ۱۳۷۱ هـ.ش.
۲۸. قطب الدین راوندی، الخرائج و الجرائح، ۳ جلد، مؤسسه امام مهدی علیه السلام قم، ۱۴۰۹ هـ.ق.
۲۹. کشی محمد بن عمر، رجال الکشی، ۱ جلد، انتشارات دانشگاه مشهد، ۱۳۴۸ هـ.ش.
۳۰. کلینی ثقة الاسلام، الکافی، ۸ جلد، دار الکتب الإسلامیه تهران، ۱۳۶۵ هـ.ش.
۳۱. مازندرانی ملا صالح، شرح اصول الکافی دار الکتب الإسلامیه، تهران، ۱۳۸۸ هـ.ق، با تعلیقات محقق شعرانی.
۳۲. المتقی الهندی، کنز العمال، ضبط و تفسیر: الشیخ بکر یحیانی / تصحیح و فهرسه: الشیخ صفوه السقا، ۱۴۰۹ هـ.ق/۱۹۸۹ م، مؤسسه الرساله، بیروت - لبنان.
۳۳. المناوی، فیض القدر شرح الجامع الصغیر، تصحیح أحمد عبدالسلام، الأولى، ۱۴۱۵ هـ.ق، ۱۹۹۴ م، دارالکتب العلمیه، بیروت.
۳۴. النووی، شرح مسلم، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۱۹۸۷ م، دارالکتب العربی، بیروت، لبنان.
۳۵. النیسابوری مسلم، صحیح مسلم، دارالفکر، بیروت، لبنان، طبعه مصحح هو مقابله علی عده مخطوطات و نسخ معتمده.
۳۶. یحیی بن شرف النووی، ریاض الصالحین، الثانیة، ۱۴۱۱ هـ.ق، ۱۹۹۱ م، دارالفکر المعاصر بیروت - لبنان. و الحمد لله رب العالمین.